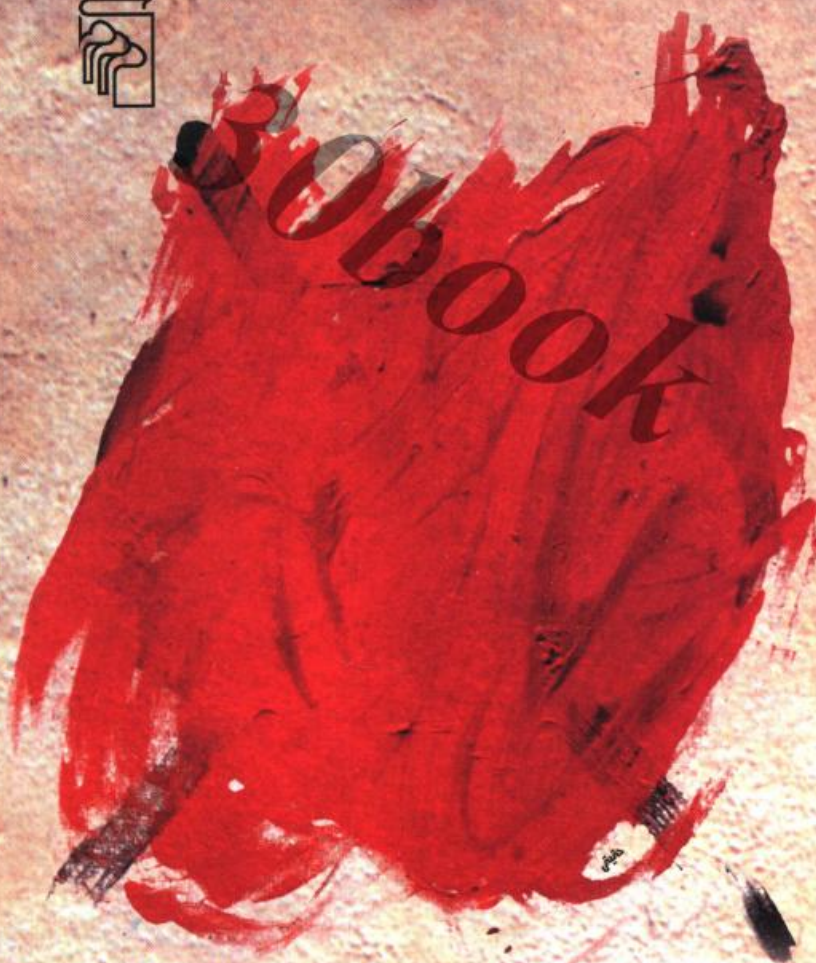


چاپ چہارمہ

آلبر کامو

ترجمہ ی لیلی گلستان

بیگانہ



L'etranger
Albert Camus

بیگانه

آلبر کامو

ترجمه: لیلی گلستان

حروفچینی، نمونه‌خوانی، صفحه‌آرایی: بخش تولید نشرمرکز

طرح جلد: ابراهیم حقیقی

چاپ اول ۱۳۸۶، شماره‌ی نشر ۸۲۲

چاپ چهاردهم ۱۳۹۴، ۱۲۰۰ نسخه، چاپ کهنموثی‌زاده

شابک: ۹۷۸-۹۶۳-۳۰۵-۹۱۴-۹

نشرمرکز: تهران، خیابان دکتر فاطمی، روبه‌روی هتل لاله، خیابان باباطاهر، شماره‌ی ۸

تلفن: ۳-۸۹۷۰۴۶۲

فاکس: ۸۸۹۶۵۱۶۹

Email: info@nashr-e-markaz.com

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این ترجمه برای نشرمرکز محفوظ است.

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، از جمله: فتوکپی، الکترونیکی، ضبط و

ذخیره در سیستم‌های بازیابی و بخش بدون دریافت مجوز کتبی و قبلی از ناشر ممنوع است.

این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.

سرشناسه: کامو، آلبر، ۱۹۶۰-۱۹۱۳ م. Camus, Albert

عنوان و نام پدیدآور: بیگانه/ آلبر کامو؛ ترجمه‌ی لیلی گلستان

مشخصات ظاهری: ۱۷۶ ص.

یادداشت: عنوان اصلی: L'etranger

موضوع: داستان‌های فرانسه - قرن ۲۰ م.

شناسه‌ی افزوده: گلستان، لیلی، ۱۳۲۳ - مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۵ ب ۹ ا ۱۳۲۴ / PQ ۲۶۲۴

رده‌بندی دیویی: ۸۴۴ / ۹۱۴

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۸۵-۲۴۷۳۳ م

فهرست

۷	درباره بیگانه و کامو
۹	پیش از انتشار بیگانه
۱۲	استقبال از رمان
۱۶	حقیقت و تأثر
۲۰	کامو و استاندال
۲۲	«من» عجیب
۲۶	مبارزه طلبی مورشو
۲۷	تفسیر سارتر
۳۴	رمان بیگانه
۳۶	نقد رولان بارت
۴۰	بُعد فیزیکی و «وجودی» رمان بیگانه
۴۴	نوشته‌های خواندنی درباره بیگانه
۴۷	مقدمه کامو برای چاپ کتاب بیگانه
۴۹	زندگی‌نامه
۵۹	بیگانه

پیش از انتشار بیگانه

شب سه‌شنبه سی‌ام آوریل ۱۹۴۰ کامو اولین نسخه بیگانه را به پایان می‌رساند. بلافاصله به همسر خود، فرانسین فور^۱، که در شهر اوران^۲ مانده است نامه می‌نویسد تا این خبر را به او بدهد:

سه‌شنبه

شب است و برایت می‌نویسم. رمانم را تمام کردم و بسیار آشفته‌تر از آن هستم که خوابم ببرد. بدون شک کار من تمام نشده است. بعضی چیزها را باید از نو بنویسم، بعضی را باید اضافه کنم، و بعضی را باید بازنویسی کنم. اما اصل این است که تمامش کرده‌ام و آخرین جمله‌اش را نوشتم [...] دستنویس را مقابلم گذاشته‌ام و به کوشش و اراده‌ای که برای آن به کار بردم فکر می‌کنم - چقدر باید برای آن حضور می‌داشتم - و افکار دیگر و خواست‌های دیگر را برایش فدا می‌کردم تا بتوانم در حال و

1. Francine Faure

2. Oran

هوایش باقی بمانم. نمی دانم چقدر می ارزید. در بعضی از لحظه‌ها، بعضی از جمله‌هایش، لحن‌اش، و واقعیت‌هایش مثل رعد و برق به هنگام نوشتن از سرم می‌گذشتند. و به همین دلیل بسیار مغرور می‌شدم. اما در بعضی لحظه‌ها فقط خاکستر می‌دیدم و ناشیگری. آلوده این داستان شده‌ام. این نوشته را در کشو می‌گذارم و می‌روم سراغ نوشتن یک مقاله. پانزده روز دیگر آن را از کشو بیرون می‌آورم و از نو روی رمانم کار می‌کنم. و بعد آن را می‌دهم بخوانند. زیاد نمی‌خواهم طولش بدهم، دو سال آزرگار است که آن را با خود حمل می‌کنم و طوری که آن را نوشتم، متوجه شدم بر من اثر گذاشته است. دو ماه می‌شود که هر روز و اوقاتی در شب روی آن کار می‌کنم. عجیب اینجاست که وقتی برای رفتن به دفتر روزنامه از خانه بیرون می‌روم و نوشته‌ای را نصفه نمه رها می‌کنم، هنگامی که برمی‌گردم بدون هیچ مشکلی و خیلی راحت باقی جمله را ادامه می‌دهم. تا به حال هیچ چیز یار یا این استمرار و به این راحتی ننوشته بودم. فعلاً بد می‌خوابم و بیخوابی به سرم زده است. وقتی از خواب بیدار می‌شوم، تمام آثاری را که خواهم نوشت به صورت واضح جلوی چشمم می‌آیند، انگار حالا دیگر تمام برنامه‌هایم و فضایی که می‌خواهم برای آنها به کار گیرم، برایم مشخص‌اند.

امشب از خستگی مُردم. از خودم می‌پرسم نکند کارهایی که در پاریس کرده‌ام این همه مرا خسته کرده است. اما مقصر اصلی، این رمان است، چون کوششی مدام را از من طلب می‌کرد، کوششی که بنظر آسان می‌آمد اما در حقیقت مرا از پای درآورد.

بامزه اینجاست که نمی‌دانم خوشحال باشم یا نه. به هر حال این تنها

چیزی بود که مرا سر پا نگاهداشت و فکر می‌کنم می‌توانم پاریس را بیخشم بخاطر اینکه این اجازه را به من داد تا اینجوری خودم را در کاری که می‌کردم، زندانی کنم. حتی اگر این کار ارزشی نداشته باشد باز به شادمانی‌ای که من از این کار احساس می‌کردم می‌ارزد، شادمانی‌ای که هیچکس نمی‌توانست مانع آن شود. و اگر امشب اینقدر خسته نبودم، باز می‌توانستم آن را حس کنم. فکر می‌کنم خواننده این نوشته هم به همان اندازه من خسته شود، و نمی‌دانم این تنش مدامی که خواننده حس می‌کند، تا چه اندازه او را ناامید و خسته کند. اما مسئله در این نیست. من این تنش را به قصد خواسته‌ام و می‌خواستم آن را منتقل کنم، و می‌دانم که در نوشته‌ام وجود دارد. نمی‌دانم آیا زیباست یا نه. گزینه‌ای به من گفت که مونترلان^۲ از کتاب *عروسی‌ها*^۳ و از من «با گرمی بسیار» با او حرف زده. مونترلان نمی‌دانسته که گزینه مرا می‌شناسد و از او پرسیده بود من چه کار دارم می‌کنم.

این قضیه مرا به این فکر انداخت که سه تا دست‌نوشته‌ام را وقتی تمام کردم، برای مونترلان بفرستم و برایش بگویم چه قصدی داشته‌ام. فکر می‌کنم فقط او است که می‌تواند مرا یاری دهد تا بتوانم همه را با هم منتشر کنم - به خصوص در این لحظه.

در مورد باقی چیزها، چیزی تغییر نکرده است. ساعات کارم را در اداره روزنامه تغییر داده‌اند اما به همان اندازه سابق کار می‌کنم. روز تعطیلم سه‌شنبه است (به همین دلیل است که تمام روز می‌توانم کار کنم). از تو، باقی دوستانم و خانواده‌ام کم و کمتر خبر دارم. و بیش از پیش خودم

را در این جا منزوی حس می‌کنم. تا وقتی مشغول کار هستم، عیبی ندارد. اما اگر کار نمی‌کردم حتماً سخت‌تر می‌بود.

شب‌های بهار در اینجا بارانی و لزوج است، به یاد جمله‌ای از رمانم می‌افتم: «آنجا، در آنجا هم شب یک ملال مدام بود».

اگر می‌دانستی چقدر دلم برای شب‌های الجزیره و اوران تنگ شده. اما یک تابستان کامل و یک زمستان کامل مانده تا بتوانم چند هفته‌ای بیایم و آسمان سبز آن جا را بازیابم. تمام اینها بسیار از من دورند و نمی‌توانم فکر کنم که می‌توانم به آن جا برسم. شاید برای همین است که وقتی این چیز را تمام کردم از خوشحالی به هوا نپریدم [...]

آلبر کامو

چهارشنبه

این کاغذ گند و ناخواناست. اما با این وجود آن را برایت می‌فرستم. دیروز عصبی‌تر از آن بودم که بتوانم آن را درست بنویسم.

استقبال از رمان

انتشارات گالیمار تصمیم می‌گیرد کامو را معروف کند. این مطلب را ژان گرنیه در نوزدهم اوت ۱۹۴۲ در نامه‌ای به دوستش ابراز می‌کند، و مقاله مارسل آرلان^۱ را در دو ستون روزنامه کم‌دیا^۲ به تاریخ یازدهم

1. Marcel Arland

2. Comedia



این رمان به ظاهر ساده است. و این را کامو به شدت احساس کرده است: یک «اضطراب» در تمام طول کتاب وجود دارد، حتی در لحظاتی که احساس می‌شود همه چیز دارد راحت می‌گذرد، خواننده کنجکاو می‌شود و وادار می‌شود در مورد تردیدهایش از خود سؤال کند. انگار نویسنده خواسته است به او یادآوری کند که در این جا چیزی رازآمیز وجود دارد که باید کشف شود. برنار پنگو

گیاهان با آلودگی مبارزه می‌کنند، حامی گیاهان باشیم



ISBN: 978-964-305-914-0



9 789643 059149

۱۱۹۰۰ تومان